

آمیولانس

تئوری نان و سیگار

• یوریا عالمی: قرار شده در سال ۹۴ هر نخ سیگار دو تومان گران شود. از طرفی به گزارش انواری آنلاین «علاوه بر درآمد ۶۰ میلیاردتومانی از شرکت دخانیات ایران «مالیات بر فروش سیگار»، یک درآمد ۱۸۰ میلیاردتومانی «حاصل از افزایش ۲۰ درصد به قیمت هر نخ سیگار تولید داخل و ۴۰ درصد به قیمت سیگار و توتون قلیان وارداتی» و همچنین یک درآمد ۱۲۰ میلیاردتومانی تحت عنوان «درآمد حاصل از ۲۰ ریال افزایش به قیمت هر نخ سیگار وارداتی» مجموع درآمدهای دولت از سیگار است.» این عدد نزدیک به ۸۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. خب، این اعداد و ارقام نظر ما را نسبت به سیگاری‌ها تغییر داد. الان ما متوجه شدیم ۸۰۰ میلیارد تومان از امورات کشور، از پولی است که آنها دود می‌کنند. البته دود این تدخین به چشم خود سیگاری‌ها می‌رود. اما همین دودکردن آنها چرخ مملکت را می‌چرخاند.

مثال: پس اگر یک کشور لکوموتیو باشد، سیگاری‌ها هیزم‌هایی هستند که خودشان را در کوره می‌اندازند. سیگاری‌ها با سوزاندن خودشان باعث می‌شوند چرخ‌های لکوموتیو حرکت کند. درواقع باید به‌جای واحد اسب بخار برای قطار، از واحد اسب سیگار برای اقتصاد استفاده کنیم.

مثال ۲: اگر یک کشور، هواپیما باشد، سیگاری‌ها اهرم عقب و جلوکردن صندلی‌ها هستند که با اینکه هرگز کسی بهشان اهمیت نمی‌دهد، اما باعث آسایش مسافران می‌شوند. در حالی که دارند عقب و جلو می‌شوند، می‌سوزند و می‌سازند.

پول زور: خیلی بد است که سیگاری‌ها نخی دوتومان پول زور بدهند تا غیرسیگاری‌ها سلامت باشند. آیا غیرسیگاری‌هایی که به‌جای سیگارکشیدن تخمه می‌شکنند، حاضرند تخمه‌ای دوتومان بدهند تا سیگاری‌ها خرج سلامتشان کنند؟ معلوم است که نه، چون غیرسیگاری‌ها، سیگاری‌ها را موجوداتی سیگاری می‌دانند و در تمام فیلم‌های تلویزیون دیده شده که آدم‌بدها سیگاری هستند و هر بلایی سرشان بیاید چششان است.

نان و سیگار: بعد ما نمی‌دانیم جریان چیست؟ چون وقتی دولت نان را ۳۰ درصد گران کرد، مردم از دست دولت عصبانی شدند و رفتند سیگار کشیدند. حالا قرار است دولت سیگار داخلی را ۲۰ درصد و سیگار و توتون وارداتی را ۴۰ درصد گران کند. آن وقت مردم وقتی که از دست دولت عصبانی شدند بروند چی بکشند؟ معناد بشوند خوب است؟ به نظر ما دولت همه چیز را گران کند، سیگار را گران نکند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۳ • ۲۴ صفر ۱۴۳۶ • ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۸۹ • ۱۶ صفحه • ۶۴ صفحه ویژه‌نامه اقتصادی اذان ظهر تهران ۱۲:۰۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳ • اذان صبح فردا ۵:۳۸ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنامه‌فرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

امین منتظری

دیابت در ایران بیشترین رشد را
میان کشورهای خاورمیانه دارد



یاد دوست

دعا کنیم؛ برای کلانتری عزیز

کردیم. اندک‌اندک آرام شد. بر جان او توفان شدیدی وزیده شده بود. حالا دوستم خبر می‌دهد که پزشکان گفته‌اند حال او حال بهتری است که توفان تندی بر آن وزیده. باید صبر کرد و تن خسته او خرابی‌ها را ترمیم کند. بر بستر بیماری و بیمارستان، انسانی بزرگ آرمیده است؛ نه تنها تصویرگری توانا و قصه‌نویسی دانا... برایش دعا کنیم که از بستر برخیزد و انبوه دوستان‌ان و یارانش را بنگرد. برایش دعا کنیم که حضور بابرکت او بر بلندای آسمان هنر این ملک همچون ماهی باز بدرخشد. برایش دعا کنیم.

نایستاد... چندی پیش به خانه‌اش دعوت‌م کرد. به طبقه بالا رفتم. تابلویی دیدم که نشانه‌ای از خشم درونی او داشت. به کجای این شب تیره بی‌ویزیم قبابی زنده خود را؟ زیرپیراهنی پاره بر بوم نقش بسته بود. گفتم: پرویز جان خدا بد ندهد. حکایتی را بازگفت و روایتی را... سخت دلگیر بود. متنی را که نوشته بود به من سپرد. متنی تلخ بود. لااقل از او انتظار نداشتم. باور نمی‌کردم که این دریای آرام از حرکتی نامهربانانه چنین پرخروش شده باشد. با هم ساعتی صحبت کردیم. از گذشته، حال و آینده سخن گفتیم. خاطره‌های ۴۰ سال دوستی را با هم مرور

غلامرضا امامی

باور نمی‌توانم کرد که پرویز نازنین، پرویز کلانتری سخنی نگوید. خطی بر بومی نکشد، نقشی رقم نزند. قصه‌ای، یادی را با آن صدای آرام مهربان روایت نکند. پرویز، دل مهربانی دارد. نقاش بچه‌هاست و شگفتا پس از دیدن نمایشگاه نقاشی دخترکی هنرمند دلش لرزید و تنش بر زمین افتاد. در جان نجیب او آرامشی است عمیق، بلندای کوه‌های طالقان در همت بلندش نمایان است. پرویز نقال و نقاش روزگار ماست، نمی‌توان او را دید و دوستش نداشت. نمی‌توان کارهایش، کارهای کاه‌گلی‌اش را دید و به احترامش

فراخوان

همراهی هانیه توسلی با فراخوان تازه اهدای کتاب به جای سررسید



خودتان بخشی از هدیه نوروزی‌تان به کارکنان شرکت، کتاب یا بن کتاب باشد. یک‌سال امتحان کنید؛ ضرر ندارد.» برخی دوستان‌ان کتاب می‌گفتند این ایده، قدیمی است و چندفتری هم خوششان آمده. هانیه توسلی در این باره می‌گوید: «چنین پیشنهادی، فوق‌العاده است. اما نمی‌دانم تا چه حد قابل اجراست. اجرائی شدنش دشوار به نظر می‌آید. خود اصولاً به دوستان و نزدیکانم کتاب هدیه می‌دهم، اما اجرای چنین طرحی زمانی منجر به فرهنگسازی خواهد شد که مثلاً ارگان‌ها یا شرکت‌ها وارد عمل شده و کتاب‌هایی را انتخاب کرده و به جای سررسید به بهانه نوروز به کارمندان و مراجعانشان هدیه دهند. البته این بستگی به منافع ارگان‌ها و شرکت‌ها هم دارد. باید دید آیا می‌توانند با اهدای کتاب به اندازه اهدای سررسید بُرد تبلیغاتی داشته باشند و اساساً به‌لحاظ اقتصادی خرید کتاب در عوض سررسید برایشان مقرون‌به‌صرفه است.» توسلی در همین راستا می‌گوید شاید اگر شرکت‌ها و ارگان‌ها با خرید کتاب بتوانند مثل اسپانسر یک فیلم عمل کرده و مثلاً کل تیراژ یک چاپ کتاب را خریداری کنند، این هم به نفع ناشر و هم به نفع آن ارگان یا شرکت باشد و البته این پیشنهاد را هم مطرح می‌کند: «حتی ارگان‌هایی مثل محیط‌زیست می‌توانند کتاب‌هایی را برای هدیه‌دادن انتخاب کنند که اهداف سازمانی‌شان را ترویج می‌دهد. درواقع انتخاب ارگان‌ها می‌تواند کتاب‌هایی باشد که منافع آن ارگان را در پی دارد.» توسلی آموزش و پرورش را یکی از نهادهایی می‌داند که در این زمینه می‌تواند بسیار موثرتر از سایر ارگان‌ها عمل کند: «جراشدن چنین طرحی به‌منظور ایجاد فرهنگ هدیه‌دادن کتاب به‌جای سررسید، بسیار زمان‌بر است و مدیریتی جدی می‌طلبد، با این حال آموزش و پرورش یکی از نهادهایی است که می‌تواند در این زمینه بسیار اثرگذار عمل کرده و در ایجاد چنین فرهنگی پیشقدم باشد.» توسلی در نهایت می‌گوید که حتی اگر چنین اتفاقی در سطح وسیعی از ارگان‌ها رخ ندهد و محدود به شرکت‌های کوچک هم باشد، اتفاقی نیکوست.

شرق؛ در این روزهایی که شرکت‌ها و کارخانه‌ها و کلا فعالان عرصه تبلیغات و تجارت و... مشغول هدیه‌دادن سررسید به مراجعان هستند، بهمن دارالشغلی ایده‌ای را مطرح کرد: «کتاب به‌جای سررسید» هرچند عده‌ای معتقد بودند این ایده قدیمی است او برای «شرق» چنین نوشت: «اصلی‌ترین مزیت کتاب اینکه چندماه از سال گذشته عمرش تمام نمی‌شود و می‌تواند تا سال‌ها و دهه‌ها به یادگار از شما و شرکتتان در کتابخانه خانه‌ای به یادگار بماند. ضمن اینکه تعطیلات طولانی نوروز معمولاً بهترین فرصت افراد شاغل برای کتاب‌خواندن است و احتمال اینکه هدیه شما در همان اولین روزها استفاده شود و خاطره‌ای خوب در ذهن گیرنده‌اش بگذارد، زیاد. احتمالاً؛ با خودتان می‌گویید ما سررسید هدیه می‌دهیم چون این امکان را داریم که روی جلد و در صفحه‌های اول آن تبلیغ شرکت‌مان را کنیم و درواقع سررسید فراتر از هدیه، یک کالای تبلیغاتی است. شاید اطلاع نداشته باشید که بیشتر ناشرها، حتی ناشرهای بزرگ و مشهور، حاضرند صفحه‌های اول کتاب‌هایشان را به‌نوعی تغییر دهند که جنبه تبلیغاتی این هدیه‌ها هم حفظ شود. این تغییرات معمولاً بستگی به تعداد کتاب‌هایی دارد که شما سفارش می‌دهید. فرضاً اگر سفارش شما حدود هزارنسخه باشد، با توجه به تیراژهای کنونی کتاب، شما عملاً دارید یک چاپ کتاب را می‌خرید و ناشر می‌تواند آن نوبت را مخصوص شما چاپ کند و در نتیجه، دستش برای اعمال تغییرات در کتاب بازتر است؛ از آوردن آرم شرکت پشت جلد کتاب گرفته یا نوشتن جمله‌ای شبیه اینکه «این کتاب با حمایت اِبه درخواست شرکت... چاپ شده» تا جسداندن یکی، دو صفحه تبلیغ شرکت شما در اول کتاب. در مورد هزینه‌ها هم حدس می‌زنم ناشرها برای خریدهای با تعداد بالا تخفیف مناسبی دهند. این ایده را می‌شود در جاهای دیگری هم عملی کرد. مثلاً اگر پزشک یا دندانپزشک هستید، می‌توانید صدتا کتاب کوچک خوب بخرید و در دوسه‌هفته آخر سال به مراجعات‌تان کتاب عیدی دهید. یا در همان شرکت

سامسونگ SAMSUNG قرعه‌کشی انجام شد



دستگاه خودروی بنز

به آقایان مسعود قزباف شوشتری از اهواز، یوسف باباپور و ایوب باغبان از تبریز تحویل گردید.

فقط با ضمانت
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵
سرویس